

آذربایجان و تحولات خزر

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :
نویسنده:س تانیسلاو تاراسوف

به نقل از ایراس

مرور تحولات حاکی از آن است که حوزه خزر نسبت به تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه حساسیت زیادی از خود نشان می دهد. از یک سو، ذخایر عظیم مواد هیدروکربنی و آبرزی در این دریا متمرکز شده و از سوی دیگر این منطقه پتانسیل های زیادی برای مناقشه دارد، چرا که از زمان فروپاشی شوروی اختلافات قابل توجه اقتصادی، نظامی، سیاسی و جغرافیایی بین کشورهای ساحلی بروز کرده و برخی از این اختلافات همچنان لاینحل باقی مانده است. برای مثال اواخر آوریل 2002 رئیس جمهور ترکمنستان در جریان نشست سران کشورهای ساحلی دریای خزر در عشق آباد از احتمال آغاز عملیات جنگی در میادین نفتی مورد اختلاف با آذربایجان خبر داد و 1 اوت همان سال مسکو برای اولین بار طی 10 سال بعد از فروپاشی شوروی اولین آزمایش گسترده خود را در خزر با شرکت قزاقستان و آذربایجان برگزار کرد. با این وجود، تلاش کشورهای ساحلی برای طراحی یک چهارچوب مشترک برای توسعه پایدار در حوزه خزر هنوز نتیجه عملی در بر نداشته است. بیانیه ای که در نشست اخیر سران کشورهای ساحلی در تهران صادر شد، به ظاهر اصول اساسی رفتار را تعیین کرد. این اصول به قرار ذیل است:

- 1- حق کشورهای ساحلی در استفاده از پهنه دریای خزر و منابع آن
- 2- تلاش مشترک برای حل و فصل مسایل زیست محیطی منطقه
- 3- کشتی رانی در خزر فقط زیر پرچم کشورهای ساحلی.

در این سند همچنین حق کشورها برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای و عدم واگذاری سرزمین خود به کشورهای ثالث برای تجاوز به یکی از طرف های امضا کننده اعلام شده بود. مارس 2009 سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه حین دیدار دو روزه خود از باکو تصریح کرد که طرف روس بر این باور است که کشورهای ساحلی خزر در زمینه تعیین رژیم حقوقی خزر و ایجاد مکانیزم چند جانبه تأمین امنیت در این منطقه می توانند گام های سریع تری بردارند. در این راستا، تلاش مشخصی اواخر ژوئن سال 2009 در بیانیه مشترکی برداشته شد که در جریان مذاکرات در باکو بین دمیتری مدویدیف، رئیس جمهور روسیه و الهام علی یف همتای آذربایجانی وی امضا شد. ولی سؤال این است که شعارها و بیانیه های سیاسی چگونه باید عملیاتی شوند؟

پیشنهاد روسیه این بود که در دریای خزر واحد نظامی ویژه «کاسفور» متشکل از ناوهای کشورهای منطقه تشکیل شود تا بتواند به صورتی هماهنگ از پهنای آبی دریای خزر در برابر تهدیدات بالفعل و بالقوه دفاع کند. پیش از این نیز پنج کشور توافق کرده بودند که قبل از تعیین رژیم حقوقی خزر، قراردادهای سالهای 1921 و 1940 بین روسیه و ایران باید اعتبار خود را حفظ کنند. در آن اسناد مواضع اصولی ای قید شده بود که از جمله می توان به آزادی کشتی رانی برای کشتی های زیر پرچم کشورهای ساحلی خزر، آزادی صید ماهی (غیر از منطقه 10 مایلی ساحلی) و منع تردد کشتی های زیر پرچم کشورهای غیر ساحلی اشاره کرد.

با این وجود، پیشرفت محسوسی در این زمینه حاصل نشد. افزون بر این، آمریکا از طرح روسی «کاسفور» تقلید کرده و با استفاده از ادعاهای ملی آذربایجان و قزاقستان در چارچوب برنامه «نگهبان خزر» به آن ها مبالغ زیادی پیشنهاد کرد. این برنامه ناظر بر اصلاح تجهیزات نیروی دریایی آذربایجان و قزاقستان است. در چارچوب برنامه مشارکت با ناتو، به نیروی دریایی و ادارات مرزبانی این کشورها نیز تجهیزات مدرنی واگذار شد که امکان ایجاد رژیم جامع کنترل حریم هوایی، دریایی و مرزهای زمینی آذربایجان و قزاقستان و واکنش سریع به وضعیت های اضطراری و از جمله حملات تروریستی به تأسیسات نفتی آنها را می دهد. برنامه آمریکا ناظر بر تشکیل گروه های ویژه نظامی نیز بود.

این وضعیت به نحوی بود که به ادعای برخی کارشناسان نظامی منطقه، ناتو از این طریق به گسترش نفوذ خود در منطقه خزر مبادرت کرده بود. ایجاد هم پیوندی میان آذربایجان و قزاقستان با یک زنجیر ژئوپلیتیکی ناشی از آن بود که در حال حاضر خط لوله باکو - قفقاز - جبهان با ظرفیت کامل خود فعالیت نمی کند و تنها پس از دریافت نفت قزاقستان به ظرفیت اسمی خود دست خواهد یافت. در آذربایجان این واقعیت را نیز پنهان نمی دارند که خط لوله انتقال گاز باکو - ارزروم که جدیداً به بهره برداری رسیده، حلقه میانی شبکه انتقال گاز ناپاکو است که باید گاز آسیای مرکزی را از بستر خزر به اروپا منتقل کند. با این وجود، پس از بحران قفقاز و در آستانه نشست جدید کشورهای ساحلی خزر که قرار است در باکو برگزار شود، عده ای از ناظران انتظار داشتند که کشورهای ساحلی با هشیاری تمام اوضاع بی ثبات منطقه را ارزیابی کرده و تلاش می کنند تا با تجمع و تمرکز توان خود زمینه تأمین امنیت مشترک را با همکاری یکدیگر فراهم آورند. اما آنچه در عمل اتفاق افتاد با این گمانه زنی ها منطبق نبود.

به هر تقدیر، 29 ژوئیه ایران و روسیه اولین آزمایش یک روزه دریایی خود را در دریای خزر و بندر انزلی زیر عنوان «خزر پاک و امن، تعامل منطقه ای» برگزار کردند. در جریان این آزمایش اجرای کنوانسیون های بین المللی جستجو و امداد در دریا و مبارزه با آلودگی زیست محیطی و نفتی دریا تمرین شد و کشورهای دیگر ساحلی خزر و سازمان بین المللی دریایی فقط به عنوان ناظران دعوت شده بودند. هرچند، به ظاهر این آزمایش دریایی به جز این که برای اولین بار توسط روسیه و ایران برگزار می شد، هیچ معنای خاصی دیگری نداشت، با این وجود، باکو فوراً از خود واکنش نشان داد. آذربایجان اعلام کرد که در آینده نزدیک در خزر آزمایش گسترده نیروی دریایی خود را با شرکت اداره گارد ساحلی، چند ناو نیروی دریایی و وزارت موقعیت های اضطراری خود برگزار خواهد کرد و طی آن مبارزه با تصرف کشتی ها در دریا، خنثی کردن عملیات های تروریستی، حفاظت از زیرساخت دریایی و پیاده کردن نیروهای ویژه تمرین خواهد شد. به تأکید مقامات آذری این آزمایش، بزرگترین آزمایش نظامی آذربایجان در خزر خواهد بود.

در این میان، مشخص نیست نیروی دریایی آذربایجان با برگزاری این آزمایش درصد آن است که توان نظامی خود را برای چه کسی به نمایش بگذارد و این در حالی است که باکو رسماً اعلام کرده و می کند که هیچ یک از کشورهای ساحلی را به سیاست غیر دوستانه نسبت به خود متهم نمی کند. حتی اگر این امر در سناریوی آزمایش پیش بینی نشده باشد، معلوم است که برگزاری این تمرین نظامی در واقع کشورهای منطقه خزر را به دو اردوگاه تقسیم می کند. از سوی دیگر، این امر گواه آن نیز است که باکو امیدوار نیست که مذاکرات درباره رژیم حقوقی خزر زمانی با موفقیت همراه باشد و بر این اعتقاد است که این مسأله هم اکنون از عرصه حقوقی به عرصه نظامی-سیاسی منتقل می شود. این در حالی است که قبلاً فرض بر آن بود که در دریای خزر فقط روسیه و ایران از توان معین رزمی نیروی دریایی برخوردارند، اکنون آذربایجان می خواهد سطح بالای تجهیزات نیروی دریایی خود را به نمایش بگذارد.

در این رابطه کارشناسان معتقدند که نه تنها تحولات پیچیده در افغانستان و تنش های پسانتخاباتی در ایران، بلکه تشدید فشرده مذاکرات درباره مسأله قره باغ باعث افزایش تنش در منطقه خزر شده است. با این وجود و در حالی که باکو هنوز بحران قسمت غربی خود (قره باغ) را حل نکرده، با اعلام برگزاری این آزمایش آمادگی خود را به رویارویی نظامی-سیاسی دیگر در خزر اعلام کرده و بدین وسیله امکان تشکیل ائتلاف 5 کشور ساحلی را منتفی می کند.

از سوی دیگر، آذربایجان به رغم اعتراضات ایران، با اسرائیل وارد تعاملات سیاسی، اقتصادی و نظامی گسترده شده و حتی با تل آویوو اقدام به عقد پیمان نظامی نیز کرده است.

باکو در جریان انتخابات اخیر ریاست جمهوری ایران به موسوی امید بسته بود. از سوی دیگر، محمود احمدی نژاد که پس از انتخابات زمام امور را در دست خود نگه داشت، به پیشنهاد باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا مبنی بر اصلاح روابط با ایالات متحده تا آغاز پاییز واکنش مثبتی از خود نشان داد. لذا ممکن است زمانی که واشنگتن «بدون پیش شرط» با تهران وارد مذاکره شود، باکو با انتخاب دشوار بین خزر و قره باغ روبرو شود.

پایان پیام.